بررسی تطبیقی مفهوم امامت با تأکید بر دیدگاه دو دانشمند معاصر ـ اصغر غلامی، مهدی فرمانیان

فصلنامه تخصّصي مطالعات قرآن و حد ث سف نه

سال یازدهم، شماره 44 «و ژه حدیث»، پاییز 1393، ص 53 ـ 68

بررسی تطبیقی مفهوم امامت با تأکید بر دیدگاه دو اندیشمند معاصر

اصغر غلامی [1] ×

مهدی فرمانیان [2] ××

چکیده: مفهوم امامت بر پایه قرآن و روایات، مقام وجوب اطاعت و دارا شدن حق امر و نهی است. برخی عالمان و مفسران شیعه با تأکید بر بعد تشریعی امامت، معنای آن را افتراض طاعت دانسته‌اند و در مقابل شماری از اندیشمندان بعد تکوینی امامت را برجسته کرده و معنای آن را نوعی تصرف تکوینی در قلوب بندگان خدا و هدایت و ایصال آنان به مطلوب شمرده‌اند. نگارنده با بررسی تطبیقی مفهوم امامت با تأکید بر دیدگاه دو اندیشمند معاصر ـ یعنی آیةالله جعفر سبحانی به عنوان نماینده دیدگاه نخست و علامه سیدمحمدحسین طباطبایی به عنوان نماینده دیدگاه دوم ـ چنین نتیجه گرفته است که دیدگاه آیةالله سبحانی با ظواهر ـ و بلکه با نصوص ـ قرآن و روایات سازگارتر است.

کلیدواژه‌ها: امامت، افتراض طاعت/ هدایت/ ایصال به مطلوب/ سبحانی، جعفر/ طباطبایی، سید محمدحسین.

طرح مسأله

امامت الهی مقام و منزلتی بس ار بلند است که از سوی خداوند متعال به برخی از انبا اء و بندگان برگز ده عطا می‌شود. داشتن درک صح حی از ا ن مقام، وابسته به آگاهی از مفهوم درست امامت است. در مورد مفهوم امامت قرائت‌های مختلفی مطرح شده و افراد مختلف به بحث پ رامون مفهوم امامت پرداخته و آن را از زوا ای مختلف تفس ر کرده‌اند. ا ن آراء از انگ زه‌های متفاوتی ر شه گرفته و منشأ تفس رهای متعدد و متنوعی شده و مبانی متفاوتی را در فهم مقام امامت ا جاد کرده‌اند.

مفهوم امامت بر پایه قرآن و روایات، مقام وجوب اطاعت و دارا شدن حق امر و نهی است. این مقام برای هدایت و تربیت بندگان، از سوی خداوند به برگزیدگان الهی اعطا می¬شود. بر همین اساس، برخی عالمان و مفسران شیعه با تأکید بر بعد تشریعی امامت، معنای آن را افتراض طاعت دانسته¬اند و در مقابل، شماری از اندیشمندان بعد تکوینی امامت را برجسته کرده و معنای آن را نوعی تصرف تکوینی در قلوب بندگان خدا و هدایت و ایصال آنان به مطلوب شمرده¬اند.

در این مقاله پس از بیان معنای امام در لغت، قرآن و روایات معصومان edfr و اشاره‌ای به تفاوت امامت و نبوت به بررسی تطبیقی مفهوم امامت از دیدگاه دو اندیشمند برجسته معاصر ـ یعنی آیةالله سبحانی به عنوان نماینده دیدگاه نخست و مرحوم علامه طباطبایی به عنوان نماینده دیدگاه دوم ـ خواهیم پرداخت.

امام در لغت

امام در لغت به معنای کسی ا چ زی است که از او تبع ت می‌شود و ا ن تبع ت با هدف مشخصی صورت می‌گ رد. (ابن منظور، 1388،24:12) به هم ن دل ل به راه ن ز امام اطلاق می‌شود، ز را پ مودن راه به دل ل رس دن به مقصدی می‌باشد. رس دن به مقصد ن ز فقط با تبع ت مطلق از طر ق آن محقق می‌شود و انحراف از طر ق، انسان را از مقصد دور می‌کند. (همان:26) همچن ن امام کسی است که به او اقتدا می‌شود. (جوهری، بی‌تا، 1865:5) در نت جه جعل امامت برای کسی به جهت آن است که مردم به او اقتدا و از اوامر و نواهی او تبع ت کنند تا به هدف و مقصد برسند. (طریحی، بی‌تا،10:6)

معنای امام در قرآن

اصل بر ا ن است که خدای‌تعالی در قرآن‌کر م و ن ز حضرت رسول‌اکرم و اهل‌ب ت ا شان edfr در روا ات، روش جد دی برای تفه م و تفاهم ابداع نکرده‌اند و چون مردم عرب زبان مخاطبان اول ه وحی بوده و پ امبر و اهل‌ب ت او edfr
ن ز با عرب‌ها سخن گفته‌اند، به طور طب عی از همان واژه‌ها و معانی آنها در کلمات عربی بهره برده و مخاطبان خود را

به حقا ق راهنما ی کرده‌اند. بنابرا ن امام در اصطلاح قرآنی ن ز به معنای پ شوا است، یعنی کسی که به او اقتدا و از او تبع ت می‌شود. البته دقت در استعمالات قرآنی نشان می‌دهد امام در اطلاقات قرآنی، در سعادت و شقاوت و عاقبت امور پ روان خود سهمی جدی و پا دار دارد.
[3]

در آ ه هفدهم از سوره مبارکه هود، امام به معنای راه روشن و ا رهبری به کار رفته که برای مؤمنان و تبع ت‌کنندگان ما ۀ رحمت است و کفر و عدم تبع ت از او منجر به عذاب الهی می‌شود. در آ ه‌ای د گر به روشنی ب ان شده است هر گروهی امام و پ شوا ی دارند که خداوند در روز ق امت، مردمان را با رهبرانشان فرا می‌خواند (اسراء / علیه السلام 2ـ علیه السلام 1). در نت جه تبع ت از کسی سرنوشت افراد را رقم زده و آنها را مستوجب پاداش ا کیفر می‌نما د. به عبارت د گر آ ه فوق ب انگر آن است که پ شوا ان، اعم از پ شوای هدا ت ا رهبر ضلالت می‌باشند و تبع ت از هر کسی نت جه‌ای در پی دارد.

خداوند در آ ات د گر به صورت روشن‌تری امامان را به دو گروه ائمه هدا ت و ائمه نار تقس م می‌کند که امامان الهی مردم را به امر خداوند هدا ت می‌کنند. (سجده/24) در نت جه برای رس دن به امر خداوند و کسب رضا ت او با د از اوامر و نواهی پ شوا ان الهی تبع ت کرد. به ب انی روشن‌تر، امام الهی راهی است که تبع ت از اوامر و نواهی او انسان را به مقصد رضا ت الهی می‌رساند، اما تبع ت از کسانی که از سوی خدا امام قرار داده نشده‌اند انسان را به سوی آتش رهنمون خواهد شد. (قصص/40) و نت جۀ تبع ت از چن ن امامانی گرفتار شدن به عذاب الهی می‌باشد.

خدای تعالی می‌فرما د:

وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهـ مَ رَبُّهُ بِكَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّی جاعِلُكَ لِلنّاسِ إِماماً قالَ وَمِنْ ذُرِّیَّتِی قالَ لا یَنالُ عَهْدِی الظّالِمِ ن (بقره/ 124)

[به ا د آر] هنگامی که خداوند ابراه م علیه السلام را به اموری چند آزمود و ابراهیم آنها را به اتمام رسان د. خداوند به ابراه م علیه السلام فرمود: همانا من تو را برای مردم پ شوا و امام قرار دادم. ابراه م عرض کرد: [در برخی] از فرزندان من ن ز [ا ن مقام را قرار بده] خداوند فرمود: [ا ن مقام در برخی از ذر ه تو خواهد بود و] عهد من هرگز به ستمکاران نمی‌رسد.

از ا ن آ ه استفاده می‌شود که خداوند برای حضرت ابراه م علیه السلام امامت بر مردم را جعل کرده است، بنابرا ن پ روی از او پ روی از خدا خواهد بود و تبع ت از او موجب هدا ت است. جعل امامت پس از آزمونهای سخت الهی و موفق ت حضرت ابراه م علیه السلام در ا ن آزما شها برای ا شان صورت گرفته است و حضرت ابراه م علیه السلام چن ن مقامی را برای برخی از فرزندان خود ن ز درخواست می‌کند. خدای تعالی ن ز درخواست ابراه م علیه السلام را پذ رفته و ضمن نفی جعل امامت الهی برای ستمکاران، آن را در نسل حضرت ابراه م علیه السلام قرار می‌دهد.

بر اساس ا ن آ ه، امامت الهی مقامی است که از سوی خداوند متعال جعل می‌شود. خداوند مالک حق قی همهٔ اش اء است و حق امر و نهی مطلق متعلق به اوست. لذا تبع ت از اوامر و نواهی کسی که از سوی خدای تعالی به ا ن مقام رس ده باشد لازم و واجب است. به عبارت د گر جعل امامت، حق انحصاری خداوند است و عبارت «إِنِّی جاعِلُکَ لِلنّاسِ إِماماً» ن ز ب انگر اِعمال ا ن مولو ت از ناح هٔ خداوند می‌باشد و درخواست حضرت ابراه م علیه السلام ن ز بر آن صحه می‌گذارد. خداوند ن ز جعل امامت برای ستمکاران را نفی می‌کند. [4]

نکتهٔ د گری که می‌توان از ظاهر آ ه استفاده کرد، ابتلای حضرت‌ابراه م علیه السلام در ظرف نبوت و رسالت است. جعل امامت، از نظر رتبهٔ زمانی بعد از ابتلائات الهی بوده است و ابراه م علیه السلام از طر ق وحی با د اوامر الهی را تلقی کرده باشد. عنی حضرت ابراه م علیه السلام با دارا بودن مقام نبوت و رسالت، مورد آزما ش الهی قرار گرفته و پس از اینکه ا ن آزما ش‌ها را گذرانده، به مقام امامت الهی نائل آمده است. به عبارت د گر حضرت ابراه م علیه السلام که دارای نبوت بود به جعل الهی امام شده است. در نت جه می‌توان مقام امامت را غ ر از نبوت و افضل از آن دانست.

امامت در روا ات اهل بی‌تedfr

لازمهٔ مفهوم لغوی امام، نوعی تبع ت و فرمانبرداری از امام می‌باشد و در قرآن ن ز امام به هم ن معنا استعمال شده است. به عبارت د گر با مراجعه به لغت و قرآن می‌توان به ا ن نت جه رس د که امام به معنای پ شوا و مقتدای هر قوم است که از اوامر و نواهی او تبع ت می‌شود. همچن ن ب ان شد امام از نظر لغت و استعمال، معنای عامی دارد و شامل امام هدا تگر و امام گمراه کننده می‌شود، ولی در مقالهٔ حاضر، بحث از امامی است که مقام امامت از سوی خدای تعالی برای او جعل شده است.

بر اساس حد ثی از رسول‌خدا6 پ شوا ی و وجوب طاعت و مقام امر و نهی، داخل در حق قت و معنای امامت الهی است. به عبارت د گر، امام، پ شوا و مقتدای مردم است و شخص با نصب الهی به مقام امر و نهی و امامت الهی نائل می‌گردد. (صدوق،13 علیه السلام 9، 64)

امام باقر علیه السلام ن ز تصر ح می‌کند که مقام امامت، مقام وجوب اطاعت و دارا شدن حق امر و نهی است، بد ن معنا که با جعل امامت برای شخصی، او حق امر و نهی بر د گران پ دا می‌کند و د گران موظفند از اوامر و نواهی او اطاعت کنند. و ا ن بالاتر ن منزلتی است که خدای تعالی به کسی عنا ت می‌کند. (صفار،1381، 509؛ حلی،192،1421؛ مجلسی، بی‌تا، 142:25)

در حد ث د گری امام سجاد علیه السلام امر امامت را مقام فرض الطاعه معرفی کرده، به حجرالاسود می‌فرما د که به ا ن مقام برای ا شان اعتراف کند. (قطب‌راوندی، 1409، 234؛ بحرانی، 1415، 29 علیه السلام -298)

امام‌صادق علیه السلام ز عرفان حق امام را اعتقاد به مفترض الطاعه بودن او ب ان می‌کند. (صدوق، بی‌تا،548:2)

بنابرا ن روشن شد امامت الهی، مقام وجوب طاعت و دارا شدن حق امر و نهی است. این مقام از سوی خدای تعالی به برخی از بندگان خاص اعطا می‌شود و با اعطای ا ن مقام، اطاعت از تمامی اوامر و نواهی شخص امام، واجب و لازم می‌شود.

بد هی است مقام آمر ت به صورت مطلق، از آنِ خدای تعالی است، ز را خدای تعالی خالق همه خلا ق و مالک مطلق آنهاست؛ اما حق مولو ت و آمر ت بدون سلب و کاستی از مالک حق قی، قابل تفو ض به د گران ز می‌باشد و لازم ز ست مولو ت به طور مستق م بر مالک ت استوار گردد، بلکه به اذن مالک حق قی و تفو ض مولو ت از سوی او، د گری ز مولو ت و حق امر و نهی پ دا می‌کند. اما کسی که صاحب حق امر و نهی شده، به اذن الهی مولو ت می ابد و در هر تصرفی ز ازمند اذن لحظه به لحظه است. یعنی چن ن ز ست که با تفو ض حق امر و نهی، ا ن حق در اختـ ار امام قرار گرفته و از اختـ ار خداوند خارج گردد و او از سلطنت و آمر ت و مولو ت ساقط و معزول شود. بنابرا ن فقط کسی حق امر و نهی پ دا می‌کند که از سوی خدای تعالی به مقام آمر ت رسـ ده و از سوی او مأذون باشد. در نت جه مقام امامت الهی ز از به جعل خداوند دارد. و ا ن مقام، مستلزم تربـ ت الهی است. (کلینی، بی‌تا،256:1)

ا ن مقام فقط به برخی از بندگان برگز ده اعطا می‌شود، به طوری که حتی بسـ اری از پ امبران و رسولان با وجود مقام نبوت و رسالت، فاقد مقام امامت و حق امر و نهی بوده‌اند [5] . (صفار،1381، 509؛ حلی،1421، 192؛ مجلسی، بی‌تا، 142:25)

امام صادق علیه السلام می‌فرما ند:

ان الامامة عهد من الله عزوجل معهود لرجل مسمي. (مجلسی، بی‌تا، علیه السلام 2:23)

به راستی امامت عهدی از ناحـ ه خدای تعالی است که به شخص معـ ن واگذار شده است.

بر اساس حد ثی از رسول خدا، امام کسی است که حق امر و نهی دارد و از ناحـ ۀ خدای تعالی منصوب شده است و چن ن شخصی شا ستگی دارد مقتدای مردم باشد. (صدوق، 13 علیه السلام 9، 64)

امام‌رضا علیه السلام فهم مقام امامت و حق گز نش امام از سوی مردم را نفی می‌کند و قدر و منزلت امام را دورتر از دسترس فکر بشری می‌داند. (کلینی، بی‌تا، 1: 203-199)

امامت، افضل از نبوت و رسالت

پ شتر ب ان شد از ظاهر آ ه، امامت حضرت ابراه م علیه السلام چن ن استفاده می‌شود که مقام امامت غ ر از نبوت و رسالت است. بر اساس حد ثی از امام‌صادق علیه السلام ن ز امامت غ ر از نبوت می‌باشد.

امام رضا علیه السلام می‌فرما د:

«إن الامامهٔ خصّ الله عزوجلّ بها ابراه م المخل ل علیه السلام بعد المنبوهٔ والمخلّهٔ مرتبه ثالثهٔ، وفض لهٔ شرفه بها وأشاد بها ذکره، فقال: «إِنِّی جاعِلُکَ لِلنّاسِ إِماماً». (همان،199)

... همانا امامت مقامی است که خدای عزوجل آن را برای ابراه م خل ل علیه السلام اختصاص داد بعد از مقام نبوت و خلّت در مرتبه سوم، و فض لتی است که خداوند به واسطه آن ابراه م علیه السلام را برتری داد.

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

همانا خداوند ابراه م علیه السلام را عبد خو ش قرار داد، قبل از آنکه او را نبوت دهد. و او را نبی قرار داد، قبل از آنکه رسالت دهد. و او را رسول خو ش قرار داد، قبل از آنکه خلیل خود بدارد. و او را خل ل خو ش قرار داد، قبل از آنکه مقام امامت به او دهد. هنگامی که همه ا ن مقامات برای او جمع شد ـ دست او را گرفت و ـ به او فرمود: ای ابراه م! من تو را پ شوای مردم قرار دادم. به خاطر عظمتی که ا ن مقام در نظر ابراه م علیه السلام داشت، گفت: پروردگارا در بعضی از فرزندان من ن ز [ا ن مقام را قرار بده]. خداوند فرمود: عهد من به ستمکاران نمی‌رسد. (همان، 1 علیه السلام 5)

از ا ن احاد ث به خوبی تفاوت و برتریِ مقام امامت از مقام نبوت و رسالت استفاده می‌شود.

روشن شد که مفهوم امامت بر پایه لغت، قرآن و روایات، مقام وجوب اطاعت و دارا شدن حق امر و نهی است. این

مقام برای هدایت و تربیت بندگان، از سوی خداوند به برگزیدگان الهی اعطا می¬شود.

مقام امامت در تفکر شیعی صرفاً در ارتباط با خداوند، قابل تحلیل و تبیین است. زیرا شیعه معتقد است که به حکم عقل، تنها مالک حقیقی اشیاء می¬تواند در آنها تصرف کند. و چون امامت نوعی تصرف در بندگان خداست؛ پس باید از ناحیه خدا جعل شده باشد. به بیانی دیگر، خداوند سبحانه خالق همه خلایق و مالک مطلق آنهاست و همه آفریدگان ملک طلق اویند، پس تنها او حق تصرف در امور آنها را دارد و غیر او، همه از این جهت که مخلوق و مملوک اویند، در عرض مساوی هستند و هیچ کس حق تصرف در امور دیگری را ندارد؛ مگر آنکه از سوی خدا مأذون باشد.

از نظر شیعه، امامت مقامی است که خداوند با جعل آن برای بندگان برگزیده خویش، به آنها حق تصرف در امور سایر بندگان را می¬دهد.

تا اینجا اختلافی میان اندیشمندان شیعه وجود ندارد و همه در این مطلب اتفاق نظر دارند. اما در اینکه معنای امامت، حق تصرف تکوینی در قلوب انسانها و هدایت و ایصال آنان به مطلوب است یا حق امر و نهی تشریعی به موجود مختار و تربیت و هدایت او به صورت اختیاری، اختلاف نظر وجود دارد؛ در عین اینکه هر دو گروه هم ولایت تشریعی و هم ولایت تکوینی امامان را می¬پذیرند. بنابراین تفاوت در چیستی معنای امامت است؛ نه در مقامات امامان.

آ ت‌الله سبحانی معتقد است که امامت مطرح شده در قرآن و احادیث اهل بیتedfr همان مقام افتراض طاعت و حق امر و نهی به سایر بندگان و انسان‌های دارای آزادی و اختیار است. در اینجا به طرح تفصیلی دیدگاه ایشان در این موضوع می‌پردازیم.

دیدگاه آ ت الله سبحانی در معنای امامت

آ ت‌الله سبحانی پس از طرح چند نظر ه در مفهوم امامت، از جمله نظر مرحوم علامه طباطبائی و ردّ آنها، در ذ ل عنوان «امام پ شوای مفترض المطاعه» می‌نو سد:

تحل ل معنای حق قی «امام» در قرآن در گرو شناخت مفاد «نبی» و «رسول» است. تا حد و مرز ا ن دو کلمه شناخته نشود، هرگز نمی‌توان مرز «امامت» را تحد د کرد. ادآور می‌شو م به حکم مفاد ا نکه ابراه م پس از طی مراحل نبوت و رسالت، به مقام امامت نائل گرد د، می‌توان گفت که نبوت و رسالت آخر ن نقطه کمال و منصب الهی ن ست... (سبحانی،1425، 5: 250-249)

ا شان معتقد است «نبی» و «رسول» وظ فه‌ای جز انذار و ب م‌دهی، تبل غ و راهنمائی ندارند، نه امری دارند و نه نه ی، نه دستوری می‌دهند و نه فرمانی. و در ا ن مورد، فقط بازگو کنندگان امر و نهی الهی هستند و شخص ت د گری ندارند ... و اگر بخواه م ا ن حق قت را به اصطلاح علمی بگوی م، با د بگوی م: اطاعت خدا، موضوع ت و اطاعت پ امبر طر ق ت دارد، و ما از آن نظر رسول را اطاعت می‌کن م که اطاعت او ع ن اطاعت خداست نه چ زی غ ر از آن و جدا از آن. (همان، 252-251)

آ ةالله سبحانی تأک د می‌کند که ه چ انسانی (هرچه هم در نها ت کمال باشد) ولا تی بر ه چ انسانی ندارد، بلکه ولا ت از آنِ خدا ی است که به او خلقت و آفر نش داده است و بس. ولی در ع ن حال، خدا روی مصالحی با اعتماد بر ولا ت مطلقه خود، به انسان کاملی که در نش ب و فراز زندگی آزمون خوبی داده است، ولا تی می‌بخشد و او را امام و پ شوا، ولیّ و سرپرست، مطاع و فرمانده جامعه قرار می‌دهد و به مقتضای کار خود، دارای امر و نهی، تکل ف و دستور و به صورت مستقل «واجب الاطاعة» می‌شود.

از نظر ا شان شکی ن ست که چن ن مقامی، غ ر از مقام نبوت و رسالت است که در اخذ وحی و ابلاغ دستورهای خدا خلاصه می‌گردند، در حالی که اگر به مقام امامت رس د به مقام د گری ارتقا افته و عهده‌دار اداره جامعه و تنظ م امور امت خود می‌گردد.

ا شان بر ا ن باور است که در نبوت و رسالت مجرد از امامت، اطاعت رسول ع ن اطاعت خدا بوده و هرگز دو نوع اطاعت وجود ندارد، ولی آنگاه که به مقام امامت مفتخر گرد د، با جعل و نصب الهی، دارای امر و نهی می‌گردد و حق اطاعت مستقل پ دا می‌کند. (همان، 253-249)

آ ت‌الله سبحانی پس از طرح چند آ ه در تثب ت مدعای خود، می‌نو سد:

از مجموع ا ن آ ات برداشت می‌کن م که مقصود از امامت، سرپرستی و حق اطاعت است که خدا به ابراه م پس از نبوت و رسالت داده و... (همان، 253)

در ادامه برای تکم ل بحث خود چند پرسش مطرح می‌کند و به آنها پاسخ می‌دهد؛ از جمله چن ن مطرح می‌کند:

آ ا هر پ امبری امام، و هر امامی پ امبر است؟

آ ا هر فردی که به مقام نبوت رس د، حتماً با د امام ن ز باشد، و ا کسی که دارای منصب امامت گرد د، حتماً با د

پ امبر باشد؟

پاسخ هر دو سؤال منفی است. آ ات گذشته می‌تواند علت منفی بودن پاسخ را روشن سازد.

ز را ابراه م مدتها پ امبر بود و هرگز امام نبود، همچن ن پ امبران د گری که اصلاً به مقام «امامت» نرس دند. از سوی د گر نبی معاصر با طالوت، پ امبر بود، در حالی که امامت نداشت و به «طالوت» واگذار شده بود. طالوت امام بود، ولی پ امبر نبود.

با ملاحظه ا ن بخش می‌توان گفت: م ان نبی و امام، تلازمی ن ست یعنی لازم ن ست که هر پ امبر امام و هر امامی نبی باشد. (همان، 261)

در مقابل این دیدگاه، برخی صاحب نظران در مقام تب ن آ ۀ امامت حضرت ابراهیم علیه السلام ، مقام امامت را از معنای تشر عی آن منصرف کرده و مدلول آن را نوعی تصرف تکو نی دانسته‌اند. در اینجا نظر مرحوم علامه طباطبایی به عنوان نماینده این دیدگاه طرح و بررسی خواهد شد. از آنجا که آیۀالله سبحانی نقد هایی نسبت به این دیدگاه دارد، جهت تکمیل بحث و روشن تر شدن دیدگاه آیۀالله سبحانی نقدهای ایشان به دیدگاه مرحوم علامه طباطبایی نیز مطرح می گردد.

دیدگاه علامه طباطبائی

مرحوم علامه طباطبا ی در مقام تب ن آ ه امامت حضرت ابراهیم علیه السلام مقام امامت را از معنای تشر عی آن منصرف ساخته و مدلول آن را نوعی تصرف تکو نی دانسته است.

به عقیدۀ او، در مورد نبوت، رسالت و امامت، استناد به صِرف مفهوم لفظی کافی ن ست؛ بلکه (ا ن مقام‌ها) غ ر از مفهوم لفظی دارای حق قتی از معارف حق ق ه هستند. پس معنای حق قی امامت، وراء ا ن حقا ق است.

ا شان تصر ح می‌کند که در قرآن هرجا به معنای امامت اشاره شده، همراه آن و به عنوان تفس ر، متعرض هدا ت ن ز شده است. مثلاً خدای تعالی در داستان ابراه م علیه السلام می‌فرما د: «وَ وَهَبْنا لَهُ إِسْحـقَ وَ یَعْقُوبَ نافِلَةً وَ کُـلاًّ جَعَلْنا صالِحـ ن وَ جَعَلْناهُمْ أَئِـمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا» [6]. ن ز می‌فرما د: «وَ جَعَلْنا مِنْهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا لَمّا صَبَرُوا وَکانُوا بِآ اتِنا یُوقِنُونَ»
[7]

مرحوم طباطبایی با استناد به ا ن آ ات معتقد است که خداوند، امامت را از باب تعر ف آن به هدا ت وصف کرده و سپس ا ن هدا ت را با امر مق د ساخته است. پس معنای امامت مطلق هدا ت ن ست، بلکه هدا تی است که به امر خدا واقع می‌شود و حق قت ا ن امر در آ ات ز ر ب ان شده است:

«إِنّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَیْئاً أَنْ یَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ فَسُبْحانَ الَّذِی بِیَدِهِ مَلَکُوتُ کُلِّ شَیْءٍ» [8] و «وما أمرنا الا واحدة کلمح بالبصر» [9]

به اعتقاد علامه طباطبا ی، مراد از کلمه «کن» غ ر از تع ن دادن به ش ء ع نی (ع ن ثابت) ن ست. لذا از نظر ا شان، امام، هدا ت‌گری است که به امر ملکوتی که همراه اوست هدا ت می‌کند و امامت به حسب باطن نحوه‌ای از ولا ت بر مردم در اعمال ا شان و هدا ت آنها برای رساندنشان به مطلوب است به امر خداوند. ا ن غ ر از صِرف نشان دادن راه می‌باشد که شأن نبی و رسول و هر مؤمنی است که به وس له نص حت و موعظه حسنه، به سوی خدای سبحان هدا ت می‌کند.

مرحوم طباطبا ی با انضمام چند آ ه و تفس ر برخی آ ات با آ ات د گر قرآن، سعی در ارائهٔ معنای جد دی از امامت دارد. ا شان امامت را به معنای هدا ت مردم به سمت کمال مطلوب آنها همراه با نوعی تصرف تکو نی می‌دانند. (طباطبایی، بی تا،1: 3 علیه السلام 3-5 علیه السلام 4)

اما با توجه به مطالب پ ش ن، ا ن معنا با لغت، استعمال قرآنی و صر ح روا ات اهل ب ت edfr چندان سازگار نیست.

چنان که گذشت بر اساس لغت، قرآن و روا ات اهل‌ب ت edfr مقام امامت به معنای فرض المطاعه و حق امر و نهی بر موجودات مختار است. در ا ن تعر ف، شخص با اراده و اختر ار خود با د از اوامر و نواهی امام تبع ت کند و به ه چ عنوان از تصرف تکو نی در قلوب افراد تعب ر به هدا ت نشده است. البته امامت از د دگاه روا ات، انحصار در مقام فرض المطاعه ندارد، بلکه جهات د گری به و ژه در جنبهٔ هدا تی و علمی امام وجود دارد، اما به نظر نمی‌رسد سخن علامه طباطبا ی در ا ن جهت بوده باشد. در هر صورت وجوب طاعت، حق امر و نهی و مقام افتراض المطاعه بالاتر ن منزلت نزد خدای تعالی و معنا ی است که در روا ات مطرح شده ذ ل آ ة حضرت ابراه م علیه السلام برای امامت ذکر شده است. اما ا ن سخن که منظور از امامت در آ ة کر مه تصرف تکو نی در قلوب و ا صال الی المطلوب باشد، قر نهٔ مناسبی ندارد و از روا ات اهل ب ت edfr ن ز چن ن مطلبی استفاده نمی‌شود.

علامه طباطبا ی با استناد به آ ات «إِنّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَیْئاً أَنْ یَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ» و «وَما أَمْرُنا إِلاّ واحِدَةٌ» مراد از امر را امر تکو نی معرفی کرده و آن را به امر در آیه

«
وَجَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا
»
تعم م و تسری می‌دهد. وی نت جه می‌گ رد که مراد از
»
هدون بأمرنا
»
هدا ت تکو نی افراد به امر خدا و با تصرف در قلوب آنها است، در صورتی که ظاهر آ ات، از هدا ت افراد به واسطهٔ امر و نهی تشر عی حکا ت دارد و روا ات ذ ل ا ن آ ات ن ز مؤ د ا ن مطلب هستند. امام صادق علیه السلام می‌فرما د:

ان الائمهٔ فی کتاب الله عزوجل امامان. قال الله تبارک وتعالی: «وَجَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا» لا بأمر الناس، قدمون أمر الله قبل أمرهم وحکم الله قبل حکمهم. قال: «وَجَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَدْعُونَ إِلَی النّارِ» قدمون امرهم قبل أمرالله وحکمهم قبل حکم الله و أخذون بأهوائهم خلاف ما فی کتاب الله عزوجل. (کلینی،بی‌تا، 1: 216)

همانا امامان در کتاب خدای‌تعالی دو دسته‌اند: خدای تبارک و تعالی می‌فرما د: «و ا شان را امامانی قرار داد م که به امر ما هدا ت می‌کنند» نه به امر مردم، دستور خدا را بر دستور ا شان و حکم خدا را بر حکم ا شان مقدم می‌دارند. نیز می‌فرما د: «آنان را امامانی قرار داد م که به سوی آتش می‌خوانند» امر خود را بر دستور خدا و حکم خود را بر حکم خداوند مقدم داشته و از هوای نفس خو ش پ روی می‌کنند، برخلاف آنچه در کتاب خدای عزوجل می‌باشد.

از روا ت فوق به روشنی می‌توان فهم د که منظور از امر در آ ات هدا ت به امر، امر و نهی تشر عی است نه امر تکو نی و تصرف در قلوب مردم.

بر همین اساس، آ ت‌الله ش خ جعفر سبحانی پس از طرح نظر ه علامه طباطبائی در مفهوم امامت، ذ ل عنوان «پا ه استواری ا ن نظر ه» می‌نو سد:

در ا نکه برخی از شخص ت‌های والما می‌توانند علاوه بر هدا ت تشر عی، دارای هدا ت تکو نی گردند سخنی ن ست، هرچند اثبات آن، ن از به دل ل قطعی دارد، ولی تفس ر امام به کسی که دارای چن ن هدا ت تکو نی است شاهد روشن ندارد.

ایشان معتقد است که هرچند قرآن پس از جمله «وجعلناهم ائمهٔ» می‌فرما د: « هدون بأمرنا»، ولی جمله اخ ر ناظر به توص ف و ثنای آنهاست، و بیان می‌دارد که آنان وظ فه هدا ت را که به فرمان خدا بر دوششان نهاده شده است، به نحو احسن انجام می‌دهند و در ا ن مورد کوچک‌تر ن خطا ی [نمی‌کنند] به گواه ا نکه در ذ ل آ ه سوره انب اء می‌فرما د: «وکانوا لنا عابد ن»: «آنان نسبت به ما خاضع و فرمانبردار هستند» و در ذ ل آ ه سجده می‌فرما د: «وکانوا

بآ اتنا وقنون»: «به آ ات ما یقین داشتند»، نه ا نکه آنان به فرمان تکو نی خدا (بأمرنا) به تزکـ ه و تصف ه قلوب می‌پردازند. خلاصه، آ ه درصدد توص ف و ستا ش آنهاست، نه درصدد بـ ان تعر ف امامت.

ا شان احاد ثی را که از امام صادق علیه السلام رسـ ده است، مؤ د نظر خو ش می‌داند، ز را امام صادق علیه السلام پس از آ ه «وجعلناهم [أئمة] هدون بأمرنا» فرمود: «لابأمر الناس قدّمون أمرالله قبل أمرهم، وحکم الله قبل حکمهم» [بحارالانوار 24/156]: «به امر خدا هدا ت می‌کنند نه به امر مردم. حکم خدا را بر حکم مردم مقدم می‌دارند». سپس امام درباره امامانی که به آتش دعوت می‌کنند، سخن می‌گو د و ادآور می‌شود که آنان برعکس گروه نخست، اراده مردم را بر اراده خدا و تما لات آنها را بر کتاب خدا مقدم می‌شمارند.

آ ت‌الله سبحانی تأکـ د می‌کند ا ن روا ت و نظائر آن حاکی است که هدف از جمله «أئمة هدون بأمرنا» تعر ف و ثنای آن بر اساس عصمت آنهاست که رضای خدا را با چ زی عوض نمی‌کنند، نه ا نکه واقع ت امامت ا ن است که به امر تکو نی خدا که با آن امر، جهان را آفر د، مردم را هدا ت می‌کنند.

ا شان در برابر سخن علامه طباطبا ی تصر ح می‌کند که تفسـ ر امام به «سرپرست جامعه» و ا مطاع و لازم الاتباع بودن و ا اسوه و الگو بودن - به طوری که رفتار و گفتار مأموم با د طبق رفتار و گفتار امام باشد- معنای مبتذلی ن ست که بعداً بر کلمه عارض شده باشد، در حالی که حضرت علی علیه السلام می‌فرما د: «والامامة نظاماً للامة»: امامت ما ه انتظام جامعه می‌باشد» [نهج البلاغه فـ ض الاسلام: کلمات قصار، شماره 224]

از نظر آ ت‌الله سبحانی ا ن سخن علامه که می‌فرما د: «هر پ امبری پ ش از ارتقاء به مقام امامت مطاع بوده و مطاع بودن از لوازم «نبوت» است». چندان استوار ن ست ز را به اعتقاد ا شان، ه چ نبی و پ امبری از آن نظر که پ امبر بود، مطاع نبود، بلکه آنگاه «مطاع» می‌گردد که دارای مقام امامت بشود و اگر در آ ه «وما ارسلنا من رسول الا لـ طاع باذن الله» برای «رسول» اطاعتی می‌شمارد، مقصود «اطاعت خدا» است نه اطاعت خود رسول، به گواه «باذن الله» (سبحانی، 1425، 5: 243-241)

نت جه‌گ ری

در این مقاله تلاش کردیم تا نشان دهیم که مفهوم امامت بر پایه قرآن و روایات، مقام وجوب اطاعت و دارا شدن حق امر و نهی است. این مقام برای هدایت و تربیت بندگان، از سوی خداوند به برگزیدگان الهی اعطا می‌شود. همچنین روشن شد که در میان عالمان و مفسران شیعه در این زمینه، دست کم دو نظریه وجود دارد. برخی با تأکید بر بعد تشریعی امامت، معنای آن را افتراض طاعت دانسته‌اند. در مقابل، شماری از اندیشمندان بعد تکوینی امامت را برجسته کرده و معنای آن را نوعی تصرف تکوینی در قلوب بندگان خدا و هدایت و ایصال آنان به مطلوب شمرده‌اند. لذا به بررسی تطبیقی آنها از نظر آیةالله سبحانی به عنوان نماینده دیدگاه نخست و مرحوم علامه طباطبایی به عنوان نماینده دیدگاه دوم پرداختیم و معلوم شد که دیدگاه آیة الله سبحانی با ظواهر ـ بلکه با نصوص ـ قرآن و روایات سازگارتر است. هر چند که هر دو بزرگوار بر شأن هدایتگری امام تأکید دارند و امامت را منصبی الهی می‌دانند و معتقدند که خداوند، امام را برای

تربیت و هدایت خلق برگزیده است.

منابع

قرآن کر م

نهج البلاغه

1. ابن منظور، محمد بن مکرم (1388 ق) لسان العرب، ب روت، دارصادر.

2. بحرانی، س د هاشم (1415ق) مد نة المعاجز، تحق ق لجنة المتحق ق باشراف فارس حسون کر م، قم، مؤسسة المعارف الاسلام ة.

3.جوهری، اسماع ل بن حماد (بی‌تا) المصحاح، تحق ق احمد بن عبدالغفور عطار، مصر، دارالمکتب العربی.

4. حلی، المحسن بن سل مان (1421ق) مختصر المبصائر، قم، مؤسسة المنشر الاسلامی.

5. سبحانی، جعفر (1425ق) منشور جاو د، قم، مؤسسة امام صادق علیه السلام .

6. صدوق، محمد بن علی (13 علیه السلام 9ق) معانی الاخبار، تهران، مکتبة الصدوق، قم، مؤسسة دارالعلم.

علیه السلام . صدوق، محمد بن علی(بی‌تا) من لا حضره الفق ه، تحق ق علی اکبر الغفاری، قم، مؤسسة المنشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرس ن بقم المشرفة.

8. صفار، محمد بن المحسن بن فروخ (1381 ق) بصائر المدرجات، تبر ز، شرکت چاپ کتاب تبر ز.

9. طباطبائی، س دمحمدحس ن (بی‌تا) تفس ر المه زان، قم، منشورات جماعة المدرس ن فی الحوزة العلم ة.

10. طر حی، فخرالد ن بن محمد (بی‌تا) مجمع البحر ن، تهران، المکتبة المرتضو ه.

11. قطب راوندی، سع د بن هبة الله(1409ق) الخرائج والجرائح، قم، مؤسسة الامام المهدی.

12. کل نی، محمد بن عقوب (بی‌تا) الکافی، تهران، مؤسسه دارالکتب الاسلام ة.

13. مجلسی، محمد باقر (بی‌تا) بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلام ه.

×. دانشجوی دکتری کلام امامیه دانشگاه تهران.

××. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

[3]. البته می‌دان م مانعی ندارد در استعمالات قرآنی و روا ی تق د و تحد دی ا توسعی در معنای لغوی صورت گ رد که نشان دادن ا ن موارد، ن از به فحص و عرضه قرا ن مناسب دارد.

1. ا ن قسمت از آ ه نص بر لزوم عصمت امام می‌باشد.

1. در ذ ل عنوان "امامت افضل از نبوت و رسالت" ا ن موضوع به تفص ل بررسی خواهد شد.

[6]. «و ما اسحاق و عقوب را به عنوان نافله و از باب موهبت به او بخش د م و همه ا شان را از صالحان قرار داده و ا شان را اماماني قرار داد م که به امر ما هدا ت می‌کنند» (انب اء/ علیه السلام 3).

2. «از م ان ا شان اماماني قرار داد م که به امر ما هدا ت می‌کنند به خاطر آنکه شک بایی کرده و به آ ات ما ق ن می‌ورز دند». (سجده/34)

[8]. «همانا امر او چنان است که هرگاه اراده [خلق] چ زی را نما د به او می‌گو د باش، پس (موجود) می‌شود. پس منزه است خدایی که ملکوت هر چ زی به دست اوست» (س/83).

[9]. «امر ما ن ست مگر به ک آن، مانند چشم بر هم زدن» (قمر/50).